

تأثیر حق الزحمه عادی و غیرعادی حسابرسی بر ارقام تعهدی با تاکید بر ارقام تعهدی خوب و خطای برآورد ارقام تعهدی

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۰
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۲

محسن صالحی نیا^۱

پروین حسینی^۲

چکیده:

حق الزحمه حسابرسی عاملی مهم در کیفیت حسابرسی و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر حق الزحمه عادی و غیرعادی حسابرس بر بازگشت ارقام تعهدی (به دو فرم ارقام تعهدی خوب و خطای برآورد ارقام تعهدی) می‌باشد. در این پژوهش برای تفکیک حق الزحمه حسابرس به دو بخش عادی و غیرعادی از رویکرد لین و همکاران (۲۰۱۸) و برای تفکیک ارقام تعهدی به دو جزء ارقام تعهدی خوب و خطای برآورد ارقام تعهدی از مدل آلن و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است. به منظور آزمون فرضیه‌ها، تعداد ۸۲ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۱ به عنوان نمونه انتخاب شده و با استفاده از روش داده‌های ترکیبی بررسی شدند. روش آزمون فرضیه‌ها نیز رگرسیون چندمتغیره با روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری موید این است که حق الزحمه عادی حسابرس بر جزء ارقام تعهدی خوب تأثیر مثبت و معنادار دارد در حالی که تأثیر حق الزحمه عادی بر خطای برآورد ارقام تعهدی معنادار نمی‌باشد. همچنین نتایج نشان داد حق الزحمه غیرعادی حسابرس بر خطای برآورد ارقام تعهدی تأثیر منفی و معناداری دارد، اما تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرس بر ارقام تعهدی خوب معنادار نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: بازگشت ارقام تعهدی، حق الزحمه عادی حسابرسی، حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، خطای برآورد ارقام تعهدی، ارقام تعهدی خوب.

۱. استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز بین‌المللی خرمشهر، خوزستان، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز بین‌المللی خرمشهر، خوزستان، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: dns1380@gmail.com

۱. مقدمه

تعداد روزافزونی از پژوهش‌ها رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی را بررسی نموده‌اند. برخی از این تحقیقات تأثیر حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی را بر کاهش استقلال حسابرس بررسی نموده‌اند. تپال‌گول و لین (۲۰۱۵) بیان کردند که خدمات غیرحسابرسی اغلب سودآورتر هستند و لذا حسابرسان انگیزه‌هایی برای ارائه این خدمات به صاحبکاران دارند. حق‌الزحمه بالای خدمات غیرحسابرسی می‌تواند حسابرس را از نظر مالی به صاحبکاران وابسته نماید (هولینگ‌ورث و لی، ۲۰۱۲؛ فرانکل، جانسون و نلسون، ۲۰۰۲؛ استنلی و دی‌زورت، ۲۰۰۷). فرانکل و همکاران (۲۰۰۲) رابطه مثبتی بین حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی و ارقام تعهدی غیراختیاری را تأیید نمودند و نتایج آنها رابطه منفی معناداری را بین حق‌الزحمه حسابرسی و مدیریت سود را نشان داد. اما شواهد رابطه معناداری بین جمع حق‌الزحمه حسابرسی و مدیریت سود را تأیید نکردند که این نتیجه موید این بود حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی انگیزه‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند. قبل از اجرای قانون ساربینز-اکسلی، حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی بر استقلال حسابرس بیشتر اثرگذار بود و این تأثیر در نتایج تحقیقات تأیید شد (فرانکل، جانسون و نلسون، ۲۰۰۲؛ کریشنامورتی، ژو و ژو، ۲۰۰۶؛ سیریندی و گول، ۲۰۰۷). سپس کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا نگران رشد بیش از حد خدمات غیرحسابرسی و کاهش استقلال حسابرسان به دلیل وابستگی مالی حسابرسان به صاحبکاران شد و قانون ساربینز-اکسلی را تصویب و اجرایی نمود (اشباغ، لافوند و مایف، ۲۰۰۳). ساختار حق‌الزحمه حسابرسان به دلیل ممنوعیت‌هایی که قانون ساربینز-اکسلی برای خدمات غیرحسابرسی قرار داد به طور نمایشی و سوری تغییر نمود. اگرچه خدمات غیرحسابرسی در دوران قبل از تصویب قانون ساربینز-اکسلی می‌توانست باعث کاهش استقلال حسابرسان شود (کینی و لیبی، ۲۰۰۲)، اما حق‌الزحمه‌های حسابرسی افراطی (که در نتیجه اجرای قانون ساربینز-اکسلی بوجود آمدند) نیز می‌تواند باعث کاهش استقلال حسابرسان در دوران پس از تصویب قانون باشد.

حق‌الزحمه حسابرسی به دو بخش قابل تفکیک است. بخش اول حق‌الزحمه عادی حسابرسی است که منعکس‌کننده هزینه عملیات حسابرسی شامل هزینه نیروی کار، زبان ناشی از دعاوی حقوقی مورد انتظار و سودآوری عادی حسابرس است (سیمونیچ، ۱۹۸۰؛ چوی، کیم و ژانگ، ۲۰۱۰؛ آستانا و بون، ۲۰۱۲). بخش دوم حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی است که شامل سود غیرعادی است (آستانا و بون، ۲۰۱۲) و بهتر می‌تواند وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار را نشان دهد (چوی و همکاران، ۲۰۱۰). پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مساله است که چگونه حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی سیگنالی از تلاش بیشتر حسابرسی است؟ و یا اینکه حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، کیفیت حسابرسی را در معرض خطر قرار می‌دهد؟ انگیزه این پژوهش از رابطه نامشخصی که بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی در پژوهش‌های قبلی گزارش شده است نشأت می‌گیرد. برخی از پژوهش‌های قبلی شواهد تجربی مبنی بر اینکه حق‌الزحمه غیرعادی بالای حسابرسی باعث کاهش استقلال حسابرس می‌شود را ارائه نمودند

(مانند کینی و لیبی، ۲۰۰۲؛ چوی، کیم و زانگ، ۲۰۱۰). از طرف دیگر برخی یافته‌ها موید این می‌باشند که حق‌الزحمه غیرعادی بالای حسابرسی باعث افزایش تلاش حسابرسان و کیفیت حسابرسی می‌شود (سیریندی و گول، ۲۰۰۷؛ بلانکلی، هورت و مک‌گرگور، ۲۰۱۲؛ اشلمن و گو، ۲۰۱۴). نتایج متناقضی از تحقیقات قبلی درباره اینکه آیا حق‌الزحمه بالای حسابرسی منعکس‌کننده فعالیت بالای حسابرسی می‌باشد یا اینکه این حق‌الزحمه بالا فقط رانت افراطی است بدست آمده است. ما همچنین به دنبال روشن کردن نقش اطلاعاتی حسابرسان هستیم. نتایج تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که مدیران از اختیارات خود در گزارشگری مالی استفاده نموده و اطلاعات خصوصی را از طریق ارقام تعهدی علامت‌دهی می‌نمایند (لوئیس و رابینسون، ۲۰۰۵). ما با استفاده از بازگشت ارقام تعهدی این شواهد را تقویت خواهیم نمود.

تحقیقات متعددی هنگام آزمون مدیریت سود بر بازگشت ارقام تعهدی تمرکز نموده‌اند (دی‌فوند و پارک، ۲۰۰۱؛ موهرله، ۲۰۰۲؛ دی‌چو و همکاران، ۲۰۱۲). اگرچه تمام ارقام تعهدی در نهایت بازگشت دارند، اما بیشتر ارقام تعهدی زمانی که شرکت‌ها جریان نقد آتی پیش‌بینی شده را شناسایی نمودند بازگشت داده می‌شوند. اما برخی از مزایای آتی هرگز شناسایی نمی‌شوند. بر طبق همین مطلب آلن و همکاران (۲۰۱۳) بازگشت ارقام تعهدی و تأثیر آنها بر سود را آزمون نمودند تا مشخص کنند که کدام نوع از ارقام تعهدی بطور صحیحی مزایای آتی را پیش‌بینی نموده و در پیش‌بینی جریان نقد آتی مؤثر است. آن‌ها از مدل تعدیل یافته دی‌چو و دی‌چف (۲۰۰۲) برای طبقه‌بندی ارقام تعهدی سرمایه در گردش در سطح شرکتی به دو جز ارقام تعهدی خوب که بطور صحیح منافع آتی را پیش‌بینی می‌نماید و خطای برآورد ارقام تعهدی که حاوی ارقام تعهدی است که منافع آتی آنها قابل شناسایی نیست تقسیم نمودند. توجه شود خطای برآورد ارقام تعهدی یک توصیف گذشته‌نگر بر مبنای تفاوت بین ارقام تعهدی و منافع آتی شناسایی شده متعاقب آن می‌باشد و دقیقاً برابر با گزارش غلط ارقام تعهدی نیست. ساختار پژوهش در ادامه بدین شکل است که ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش تشریح شده است. در بخش سوم روش‌شناسی تحقیق و جزئیات آن و در بخش چهارم یافته‌های پژوهش ارائه شده‌اند. در بخش پنجم و پایانی بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

پس از ممنوعیت قانون ساربینز-اکسلی درباره برخی از انواع خدمات غیرحسابرسی، پژوهش‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی و به ویژه حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی تمرکز کردند. دسته‌ای از تحقیقات تجربی نیز تأثیر حق‌الزحمه حسابرسی بر کاهش استقلال حسابرسان را بررسی نمودند. به طوری که شلمن و کنچل (۲۰۱۰) بیان کردند زمانی که ارقام تعهدی بالا باشد، حق‌الزحمه حسابرسی نیز بالاتر است و حق‌الزحمه حسابرسی بالا به دلیل فعالیت حسابرسی بیشتر است. آن‌ها پیشنهاد کردند که حسابرسان از سرپرست، دستیار، و سایر اعضای تیم حسابرسی زمان پشتیبان بیشتری برای حسابرسی‌هایی تخصیص دهند که در آن ارقام تعهدی بالاتر است و

ممکن است نشان دهنده مدیریت سود باشد. بلانکلی و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که حق‌الزحمه حساسیتی با سطح خدمات یا تلاش ارائه شده توسط حسابرسان ارتباط مستقیم دارد. آن‌ها معتقدند اگرچه حق‌الزحمه حساسیتی غیرعادی بالا ممکن است استقلال حسابرسان را تضعیف نماید، اما حق‌الزحمه غیرعادی حساسیتی پایین نیز ممکن است بر کیفیت حساسیتی اثر بگذارد. آن‌ها خاطر نشان کردند که حق‌الزحمه غیرعادی حساسیتی ارتباط منفی با احتمال ارائه مجدد صورت‌های مالی در آینده دارد. آن‌ها همچنین یافتند هرچه حق‌الزحمه حساسیتی پایین‌تر باشد، ساعات کمتری توسط حسابرسان برای انجام حساسیتی صرف می‌شود. ایشلمن و گو (۲۰۱۴) این مساله را با استفاده از نمونه‌ای از صاحبکارانی که انگیزه و توانایی استفاده از ارقام تعهدی اختیاری را برای دستیابی به آستانه سود پیش‌بینی شده دارند بررسی نمودند. شواهد تجربی آنها نشان داد که حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان بیانگر فعالیت بیشتر حسابرسان است که می‌تواند باعث افزایش کیفیت حساسیتی شود. همچنین آستانا و بون (۲۰۱۲) نتیجه گرفتند قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری و احتمال دستیابی به آستانه سود پیش‌بینی شده با افزایش حق‌الزحمه غیرعادی مثبت حساسیتی افزایش می‌یابند. بعلاوه چوی و همکاران (۲۰۱۰) رابطه منفی بین کیفیت حساسیتی و حق‌الزحمه غیرعادی مثبت حساسیتی را در دوره قبل از قانون SOX گزارش نمودند. اگر حق‌الزحمه حساسیتی انعکاسی از فعالیت حساسیتی باشد، آنگاه حسابرسان باید زمان کمتری را برای صاحبکارانی صرف نمایند که حق‌الزحمه پایینی پرداخت می‌نمایند (بلانکلی و همکاران، ۲۰۱۲). فعالیت حساسیتی بیشتر و هزینه بالاتر برای جمع‌آوری و تحلیل شواهد حساسیتی بیشتر برای ارائه یک اظهارنظر ممکن است باعث افزایش حق‌الزحمه حساسیتی شود. از دید اقتصادی منطقی بنظر می‌رسد که حق‌الزحمه‌های غیرعادی بالا حسابرسان را به صاحبکار وابسته می‌کند؛ بخصوص پس از اجرای قانون SOX که انجام خدمات غیر حساسیتی و حساسیتی به صورت همزمان ممنوع شده است. بویژه اینکه منافع ناشی از تسلیم شدن در مقابل فشارهای صاحبکار برای اعمال مدیریت سود می‌تواند بر هزینه‌های ریسک افزایش دعاوی حقوقی و خسارت‌های قانونی غلبه نماید (چوی و همکاران، ۲۰۱۰).

حسابداری تعهدی مزایا و تعهدات اقتصادی آتی را پیش‌بینی می‌نماید. بنابراین ارقام تعهدی در صورت‌های مالی منعکس کننده سیاست‌های حسابداری مدیران و ارزش اطلاعاتی سود می‌باشد. بر مبنای همین دیدگاه، آلن، لارسون و اسلوان (۲۰۱۳) مدلی را برای تجزیه ارقام تعهدی سرمایه در گردش در سطح شرکتی به دو بخش ارقام تعهدی خوب و خطای برآورد ارقام تعهدی ارائه نمودند. اگرچه در نهایت تمام ارقام تعهدی دارای بازگشت هستند، اما بازگشت بیشتر این ارقام زمانی اتفاق می‌افتد که شرکت وجه نقد مرتبط با این ارقام را شناسایی نموده است. آلن و همکاران (۲۰۱۳) فرض کردند بخشی از ارقام تعهدی "ارقام تعهدی خوب" هستند؛ زیرا این ارقام تعهدی جریان نقدی آتی شرکت را به طور صحیح پیش‌بینی می‌کنند. اما بعضی اوقات شرکت‌ها هرگز جریان نقدی پیش‌بینی شده را شناسایی نمی‌کنند. همچنین آنها فرض می‌کنند بخش دیگر ارقام تعهدی "خطای برآورد ارقام تعهدی" هستند که در واقع ناپایدارترین

جز سودها هستند.

مدیران تصمیمات مرتبط با ارقام تعهدی را با توجه به عملیات تجاری شرکت می‌گیرند و اطلاعات کامل‌تری درباره شرکت و عوامل تأثیرگذار بر پایداری ارقام تعهدی دارند (ژو، ۲۰۱۰). بنابراین ممکن است مدیران اطلاعات متفاوتی را از طریق دو نوع ارقام تعهدی که تأثیرات متفاوتی بر کیفیت سود دارند مخابره نمایند. حسابرسان نیز به اطلاعات خصوصی شرکت که در ارتباط با کیفیت اطلاعات حسابداری است دسترسی دارند (هریبار، کراوت و ویلسون، ۲۰۱۴)، در نتیجه حسابرسان باید توانایی تشخیص اطلاعاتی که مدیران قصد مخابره آنها به سهامداران از طریق صورت‌های مالی دارند را داشته باشند. به عبارتی حسابرسان باید قادر به تشخیص دو نوع ارقام تعهدی (با استفاده از اطلاعات خصوصی که درباره وضعیت صورت‌های مالی شرکت دارند) باشند. آنها باید اجازه ارائه ارقام تعهدی خوب که در پیش‌بینی جریان نقد آتی را می‌دهد را به مدیریت شرکت بدهند و از طرفی سعی در کاهش خطای ارقام تعهدی داشته باشند. حق‌الزحمه حسابرسان بایستی شامل ارزیابی حسابرسان از کیفیت حسابداری شرکت نیز باشد (هریبار، کراوت و ویلسون، ۲۰۱۴).

۲.۱. پیشینه پژوهش

لین، و چن (۲۰۱۸) رابطه بین بازگشت ارقام تعهدی و حق‌الزحمه حسابداری را بررسی نمودند. نتایج نشان داد حق‌الزحمه عادی حسابداری منعکس‌کننده تلاش حسابرسان برای شناسایی نوع بازگشت ارقام تعهدی است اما حق‌الزحمه غیرعادی مثبت حسابداری باعث تعدیل (افزایش) کیفیت حسابداری می‌شود. اینکم‌جیکا، ساندى و نواماکا (۲۰۱۷) رابطه بین کیفیت حسابداری، حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری و ویژگی‌های حسابرسان را در ۴۰ بانک بورسی کشور نیجریه بررسی نمودند. نتایج نشان داد اولاً رابطه مثبت معنادار بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری و کیفیت حسابداری وجود دارد؛ دوم تأثیر استقلال حسابرسان بر کیفیت حسابداری نیز مثبت و معنادار است و سوم اینکه دوره تصدی حسابرسان بر کیفیت حسابداری تأثیر مستقیم معنادار دارد. جونگ، کیم و چونگ (۲۰۱۶) رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری و کیفیت حسابداری را پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IFRS) در کشور کره جنوبی و در بازه زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۳ بررسی نمودند. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری و کیفیت حسابداری در دوران قبل از پذیرش IFRS وجود ندارد اما پس از پذیرش IFRS رابطه مستقیم معناداری بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری و کیفیت حسابداری تأیید می‌شود. لین و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که حق‌الزحمه غیرعادی منفی حسابداری دارای ارتباط معناداری با کیفیت حسابداری است. چوی و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که یک ارتباط مثبت بین حق‌الزحمه غیرعادی مثبت حسابداری و ارقام تعهدی اختیاری وجود دارد، اما این ارتباط زمانی که حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان منفی است وجود ندارد. فرانکل و همکاران (۲۰۰۲) رابطه مثبتی بین حق‌الزحمه خدمات غیرحسابداری و

ارقام تعهدی غیراختیاری را تأیید نمودند و نتایج آنها رابطه منفی معناداری را بین حق الزحمه حسابرسی و مدیریت سود را نشان داد. اما شواهد رابطه معناداری بین جمع حق الزحمه حسابرسی و مدیریت سود را تأیید نکردند که این نتیجه موید این بود حق الزحمه خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی انگیزه‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند.

سرخانی مقدم و پاکدل (۱۳۹۷) در پژوهشی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی را در ۱۳۲ شرکت بورسی در بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ بررسی نمودند. نتایج نشان داد حق الزحمه غیرعادی حسابرسی تأثیر معناداری بر تجدید ارائه صورت‌های مالی ندارد و علت تجدید ارائه صورت‌های مالی در اکثر موارد اشتباهات حسابداری می‌باشد. تجویدی و عامری (۱۳۹۶) اثر بازگشت مدیریت سود واقعی با توجه به محدودیت ارقام تعهدی بر عملکرد عملیاتی بلندمدت را در ۱۰۵ شرکت بورسی در بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۳ بررسی نمودند. نتایج نشان داد بین بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری با کاهش عملکرد آتی رابطه معناداری وجود ندارد اما با لحاظ کردن محدودیت موجود در مدیریت ارقام تعهدی در بحث بازگشت مدیریت سود واقعی، میزان اثرگذاری بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری بر عملکرد آتی مؤثر است. کربلایی کریمی (۱۳۹۵) تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر مدیریت سود را در شرکت‌های بورسی و در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۴ بررسی نمود. نتایج حاکی از این بود که حق الزحمه غیرعادی حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود (ارقام تعهدی اختیاری و غیراختیاری) ندارد. واعظ و تیموری (۱۳۹۳) ارتباط بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و خطای برآورد ارقام تعهدی را با استفاده از اطلاعات ۹۷ شرکت بورسی در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۱ بررسی نمودند. نتایج نشان داد حق الزحمه غیرعادی حسابرسی منفی با خطای برآورد ارقام تعهدی و حق الزحمه عادی حسابرسی با خطای برآورد ارقام تعهدی ارتباط منفی معنادار وجود دارد. همچنین نتایج بیانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و خطای برآورد ارقام تعهدی بود. منصوری سرنجیانه و تنانی (۱۳۹۲) عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی را در نمونه‌ای مشتمل بر ۷۱ شرکت بورسی در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۸۹ بررسی نمودند. نتایج موید این بود که بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی به طور مثبت عکس‌العمل نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه حق الزحمه حسابرسی بالا مرتبط با سطح بالای فعالیت حسابرسی است، ما انتظار داریم رابطه مثبتی بین حق الزحمه عادی حسابرسی و ارقام تعهدی خوب وجود داشته باشد. همچنین پیش‌بینی می‌کنیم رابطه منفی بین حق الزحمه عادی حسابرسی و خطای برآورد ارقام تعهدی وجود داشته باشد. همچنین انتظار مشابهی را برای رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و دو نوع ارقام تعهدی داریم مشروط بر اینکه حق الزحمه غیرعادی حسابرسی نیز منعکس‌کننده سطح فعالیت حسابرسی باشد. اما اگر رابطه وجود نداشته باشد، آنگاه ممکن است به این معنی باشد که حق الزحمه غیرعادی حسابرسی باعث تضعیف کیفیت حسابرسی می‌شود و در نتیجه رابطه منفی بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی زمانی

که حق الزحمه حسابرسی به طور غیرعادی بالا (بیش از صفر) باشد معنادارتر می‌شود. دلیل این امر توسط دی‌آنجلو (۱۹۸۱) ارائه شده است که حسابرسان انگیزه‌هایی برای سازش با صاحبکاران بااهمیت اقتصادی بالا درباره مسائل مرتبط با استقلال حسابرسی دارند.

۲.۲. طرح فرضیه‌ها

هکن‌براک، جنکینز و پزنر (۲۰۱۴) بیان کردند که حسابرسی و صاحبکار قراردادی با حق الزحمه ثابت را در سه ماهه اول سال مالی برای حسابرسی امضا می‌کنند تا صورت‌های مالی سال قبل را حسابرسی نمایند. هریبار و همکاران (۲۰۱۴) استدلال کردند که حسابرسان به اطلاعات خصوصی شرکت در ارتباط با کیفیت حسابداری دسترسی دارند و بایستی قادر به تشخیص اطلاعاتی که مدیریت قصد تحریف و ارائه آن به سهامداران در صورت‌های مالی را دارد باشد. بنابراین حسابرسان باید قادر به تشخیص دو نوع ارقام تعهدی از طریق اطلاعات خصوصی و درونی شرکت باشند. طبق تحقیقات تجربی قبلی حق الزحمه عادی حسابرسی نشان دهنده فعالیت حسابرسی می‌باشد و در نتیجه حسابرسان به مدیران اجازه تعدیل اطلاعات از طریق ارقام تعهدی خوب را می‌دهند تا پیش‌بینی صحیح منافع آتی امکان‌پذیر شود. در مقابل خطای برآورد ارقام تعهدی که قادر به پیش‌بینی منافع آتی و جریان نقدی آتی نمی‌باشند، بایستی کاهش داده شوند. بنابراین فرضیه‌های اول و دوم به شکل زیر طراحی شده است:

فرضیه اول: حق الزحمه عادی حسابرسی تأثیر مستقیم و معناداری بر ارقام تعهدی خوب دارد.

فرضیه دوم: حق الزحمه عادی حسابرسی تأثیر معکوس و معناداری بر خطای برآورد ارقام تعهدی دارد.

اگر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی مانند حق الزحمه عادی حسابرسی منعکس‌کننده فعالیت حسابرسی باشد، آنگاه رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و دو نوع ارقام تعهدی بایستی در دو جز عادی و غیرعادی حق الزحمه یکسان باشد. بطور مشابه اگر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی باعث تضعیف کیفیت حسابرسی شود، آنگاه رابطه متفاوتی از حق الزحمه عادی قابل انتظار است. با توجه به مطالب ذکر شده فرضیه‌های سوم و چهارم بدون جهت تدوین شده‌اند:

فرضیه سوم: حق الزحمه غیرعادی حسابرسی تأثیر معناداری بر ارقام تعهدی خوب دارد.

فرضیه چهارم: حق الزحمه غیرعادی حسابرسی تأثیر معناداری بر خطای برآورد ارقام تعهدی دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ هدف و ماهیت از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. جهت آزمون مدل‌ها و فرضیه‌ها نیز از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز تحلیل آماری نیز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است و جهت

تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Eviews10 و Stata14.1 استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۶ می‌باشد. نمونه آماری نیز با استفاده از روش حذف نظام‌مند و با لحاظ محدودیت‌های زیرانتخاب شده‌اند: ۱- پایان سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند باشد و در بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند. ۲- شرکت در بخش واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، هلدینگ و ... نباشد. ۳- اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس محقق باشد. در نهایت تعداد شرکت‌های نمونه ۸۲ شرکت و ۴۹۲ سال-شرکت می‌باشند.

۱.۳. مدل‌های اقتصادسنجی و تعاریف متغیرها

مدل‌های آزمون فرضیه‌ها به فرم مدل‌های (۱) و (۲) خواهد بود:

$$MDDGood_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 NormalFees_{i,t} + \beta_2 AbnormalFees_{i,t} + \beta_3 Restate_{i,t} + \beta_4 AuditorSize_{i,t} + \beta_5 Opinion_{i,t} + \beta_6 SaleG_{i,t} + \beta_7 LagACC_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} LossLag_{i,t} + \beta_{11} Merge_{i,t} + \beta_{12} Lev_{i,t} + \beta_{13} BTM_{i,t} + \beta_{14} Issue_{i,t} + \beta_{15} CF_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$MDDError_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 NormalFees_{i,t} + \beta_2 AbnormalFees_{i,t} + \beta_3 Restate_{i,t} + \beta_4 AuditorSize_{i,t} + \beta_5 Opinion_{i,t} + \beta_6 SaleG_{i,t} + \beta_7 LagACC_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} LossLag_{i,t} + \beta_{11} Merge_{i,t} + \beta_{12} Lev_{i,t} + \beta_{13} BTM_{i,t} + \beta_{14} Issue_{i,t} + \beta_{15} CF_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

در مدل‌های (۱) و (۲) متغیرهای مستقل حق‌الزحمه عادی حسابداری (NormalFees) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری (AbnormalFees) می‌باشند. متغیر وابسته مدل‌های (۱) و (۲) نیز به ترتیب ارقام تعهدی خوب (MDDGood) و خطای برآورد ارقام تعهدی (MDDError) می‌باشند. سایر متغیرها نقش کنترلی را دارند. در ادامه نحوه اندازه‌گیری متغیرها آمده است.

۲.۳. حق‌الزحمه عادی و غیرعادی حسابداری

برای محاسبه این دو متغیر از مدل حق‌الزحمه حسابداری مورد استفاده در تحقیقات قبلی برای تجزیه حق‌الزحمه حسابداری به دو جزء عادی و غیرعادی استفاده شده است (کراسول، فرانسیس و تیلور، ۱۹۹۵؛ دی‌فوند، راگوناندان و سابرامانیا، ۲۰۰۲؛ ویسنانت، سانکراگوروسامی و راگوناندان، ۲۰۰۳؛ کریشنان، سامی و زانگ، ۲۰۰۵). حق‌الزحمه عادی حسابداری جزء مورد انتظار از مدل است که با کنترل متغیرهای حسابداری، ریسک شرکت، و سایر عوامل مشخص خواهد شد. حق‌الزحمه غیرعادی نیز باقیمانده‌های تخمین مدل خواهند بود که مقادیر پیش‌بینی نشده هستند. پیرو هریبار و همکاران (۲۰۱۴) معیارهای کیفیت کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی از مدل خارج شدند تا باقیمانده‌ها رابطه بین حق‌الزحمه حسابداری و کیفیت حسابداری

را نشان دهند. مدل حق الزحمه حسابرسی پژوهش حاضر به پیروی از بلانکلی و همکاران (۲۰۱۲) و چوی و همکاران (۲۰۱۰) به فرم مدل (۳) می‌باشد:

$$AuditFees_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LTA_{i,t} + \beta_2 CR_{i,t} + \beta_3 CA - TA_{i,t} + \beta_4 ARInv_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 Loss_{i,t} + \beta_7 LossLag_{i,t} + \beta_8 Lev_{i,t} + \beta_9 Intang_{i,t} + \beta_{10} Opinion_{i,t} + \beta_{11} AuditorSize_{i,t} + \beta_{12} BTM_{i,t} + \beta_{13} Restate_{i,t} + \beta_{14} Merge_{i,t} + \beta_{15} Shorten_{i,t} + \beta_{16} Issue_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۳)

در مدل (۳) داریم $AuditFees$: لگاریتم طبیعی مبلغ حق الزحمه حسابرسی مستقل، LTA : لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها به عنوان متغیر اندازه، CR : نسبت دارایی جاری به بدهی جاری، $CA-TA$: نسبت دارایی جاری به جمع کل دارایی، $ARInv$: نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا در مقیاس جمع کل دارایی‌ها به عنوان متغیر پیچیدگی و ریسک حسابرسی، ROA : بازده دارایی‌ها برابر با سود خالص سالانه تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها که متغیر سودآوری است، $Loss$: متغیر دو ارزشی زیان‌دهی در صورت زیان‌ده بودن شرکت مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد، $LossLag$: متغیر دوازده‌گانه زیان دهی سال قبل که مشابه متغیر زیان‌دهی تعریف می‌شود، Lev : اهرم مالی برابر با جمع کل بدهی به جمع کل دارایی، $Intang$: نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی‌ها، $Opinion$: اظهار نظر حسابرسی متغیری دو ارزشی است اگر گزارش مقبول باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد، $AuditorSize$: اندازه موسسه حسابرسی متغیری دوازده‌گانه است و اگر شرکت طبق رتبه‌بندی جامعه حسابداران رسمی دارای رتبه الف باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد، BTM : نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام به عنوان متغیر فرصت رشد، $Restate$: اگر شرکت صورت‌های مالی را تجدید ارائه نموده باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد، $Merge$: اگر شرکت صورت‌های مالی تلفیقی ارائه نموده باشد (شرکت اصلی باشد و دارای شرکت‌های فرعی باشد) مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد، $Shorten$: متغیر دوازده‌گانه است اگر حسابرس سال اول یا دوم شرکت مورد نظر را حسابرسی می‌نماید مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد، و $Issue$: اگر جمع بدهی بلندمدت یا سهام صادر شده شرکت در طی سه سال اخیر بیش از پنج درصد جمع دارایی‌ها بوده باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد.

پس از تخمین مدل (۳) مقادیر برازش شده (Fitted Value) بیانگر حق الزحمه عادی حسابرسی می‌باشند. سپس تفاوت بین حق الزحمه واقعی حسابرسی و حق الزحمه عادی را به عنوان حق الزحمه غیرعادی تعریف نموده‌ایم. برای تخمین مدل (۳) از روش تلفیق داده‌ها در سطح صنعت استفاده شده است (آلن و همکاران، ۲۰۱۳). متغیرهای کنترلی لحاظ شده در مدل مطابق با تحقیقات قبلی مانند سیمونیچ (۱۹۸۰)، های، کنچل و وونگ (۲۰۰۶)، چوی و همکاران (۲۰۱۰)، بلانکلی و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشند. شرکت‌های دارای پیچیدگی بیشتر نیاز به فعالیت حسابرسی بیشتری دارند لذا ما متغیرهای LTA ، $Merge$ ، $Opinion$ را به

عنوان متغیرهای پیچیدگی فعالیت شرکت وارد مدل نمودیم و همچنین متغیرهای مرتبط با ریسک صاحبکار مانند CR، CA-TA، ARInv، ROA، Loss، Lev و Intang را به عنوان متغیرهای ریسک حسابرسی صاحبکار وارد مدل نمودیم. بعلاوه شرکت‌های دارای فرصت رشد نیاز به فعالیت حسابرسی بالاتری دارند (چوی و وونگ، ۲۰۰۷؛ چوی و همکاران، ۲۰۱۰). برای کنترل اثر فرصت رشد دومتغیر BTM و Issue، و به منظور کنترل کیفیت حسابرسی نیز متغیر اندازه موسسه حسابرسی و جهت کنترل تخفیف حق‌الزحمه متغیر Shorten را وارد مدل نموده‌ایم.

۳.۳. اقلام تعهدی خوب و خطای برآورد اقلام تعهدی

اقلام تعهدی خوب و خطای برآورد اقلام تعهدی را با استفاده از تخمین مدل دیچو و دیچف تعدیل شده توسط آلن و همکاران (۲۰۱۳) محاسبه شده‌اند. مدل مذکور به فرم مدل (۴) می‌باشد:

$$\text{مدل (۴)} \quad ACC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SGR_{i,t} + \alpha_2 EMPG_{i,t} + \alpha_3 CF_{i,t-1} + \alpha_4 CF_{i,t} + \alpha_5 CF_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل (۴) جزء سمت راست مدل به استثناء جزء خطای مدل یعنی:

$$\alpha_0 + \alpha_1 SGR_{i,t} + \alpha_2 EMPG_{i,t} + \alpha_3 CF_{i,t-1} + \alpha_4 CF_{i,t} + \alpha_5 CF_{i,t+1}$$

اقلام تعهدی خوب هستند و نیز خطای برآورد اقلام تعهدی می‌باشد. در مدل (۴) داریم: ACC: اقلام تعهدی برابر با تغییرات در دارایی جاری منهای تغییرات در نگهداشت وجه نقد منهای تغییرات در بدهی جاری بعلاوه تغییرات در حصه جاری بدهی‌های بلندمدت بعلاوه تغییرات در سود قبل از مالیات که در مقیاس جمع کل دارایی می‌باشد، SGR: نرخ رشد فروش دو سال متوالی، EMPG: نرخ رشد تعداد کارمندان طی دو سال متوالی و CF نیز جریان نقدی عملیاتی در مقیاس جمع کل دارایی‌ها.

طبق تعریف اقلام تعهدی در پژوهش آلن و همکاران (۲۰۱۳)، اقلام تعهدی مبین پیش‌بینی مدیریت از منافع آتی می‌باشد. مدل تعدیل شده دیچو و دیچف اقلام تعهدی را به دو جزء تجزیه می‌کند: اقلام تعهدی خوب، که مرتبط با منافع آتی پیش‌بینی شده ناشی از رشد شرکت و نوسانات موقتی در سرمایه در گردش می‌باشد و خطای برآورد اقلام تعهدی، که مرتبط با منافع آتی پیش‌بینی شده‌ای است که شناسایی آنها بعید است. آلن و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که اقلام تعهدی خوب بر مبنای رشد فروش سال جاری و رشد تعداد کارکنان در سال جاری نشان دهنده اقلام تعهدی مرتبط با رشد در سرمایه در گردش مورد نیاز برای حمایت از تغییرات در عملکرد عملیاتی شرکت می‌باشند. بعلاوه جریان نقدی سال‌های $1-t$ تا $1+t$ نیز می‌توانند منعکس کننده اقلام تعهدی مرتبط با نوسانات موقتی در اجزا سرمایه در گردش باشد. جزء خطای مدل (خطای برآورد اقلام تعهدی) بیانگر بازگشت خطای برآورد اقلام تعهدی است که ناپایدارترین جزء سود می‌باشد. آن‌ها همچنین نتیجه گرفتند که پایداری پایین جز تعهدی سود قابل انتصاب به خطای برآورد اقلام تعهدی است. این بدان معناست که اجزا مختلف اقلام تعهدی

اثرات متفاوتی بر کیفیت سود دارند. از آنجایی که حساب‌رسان به اطلاعات داخل شرکت درباره عملیات شرکت دسترسی داشته و دانش تخصصی و حرفه‌ای خود را دارند، اعتقاد بر این است که حساب‌رسان بایستی توانایی تشخیص و تفکیک این دو نوع ارقام تعهدی را داشته باشند. در نتیجه در این پژوهش از ارقام تعهدی خوب و خطای برآورد ارقام تعهدی برای بررسی نقش حق‌الزحمه غیرعادی استفاده شده است. انتظار بر این است که رابطه بین حق‌الزحمه عادی حسابداری و ارقام تعهدی خوب مثبت باشد. زیرا جریان نقدی که ارقام تعهدی خوب پیش‌بینی می‌کند، در عمل تحقق پیدا می‌کنند و تأثیر مستقیمی بر سود دوره جاری ندارند، این نوع ارقام تعهدی بیانگر کیفیت سود خوب است. از طرف دیگر، انتظار بر این است رابطه منفی بین حق‌الزحمه عادی حسابداری و خطای برآورد ارقام تعهدی برقرار باشد، زیرا جریان نقدی پیش‌بینی شده این ارقام احتمال تحقق ضعیفی دارند.

۴.۳. متغیرهای کنترلی

در مدل‌های اصلی (۱) و (۲) متغیرهای کنترلی به پیروی از لین و همکاران (۲۰۱۸) وارد مدل شده‌اند که شامل تجدید ارائه صورت‌های مالی (Restate)، اندازه موسسه حسابداری (AuditorSize)، اظهار نظر حسابداری (Opinion)، رشد فروش (SaleG)، ارقام تعهدی سال قبل (LagACC)، بازده دارایی‌ها (ROA)، زیان‌دهی (Loss)، زیان‌دهی سال قبل (LossLag)، تنوع تجاری (Merge)، اهرم مالی (Lev)، نسبت ارزش دفتری به بازار (BTM)، صدور بدهی بلندمدت (Issue) و جریان نقدی (CF) می‌باشند و در بخش‌های قبل تعریف و نحوه اندازه‌گیری آنها تشریح شد.

۴. یافته‌ها

در جدول (۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش آمده است. متوسط $0/21$ برای اندازه موسسه حسابداری بیانگر این است که تنها حدود یک پنجم شرکت‌ها از مؤسسات حسابداری حائز رتبه «الف» در رتبه‌بندی جامعه حسابداران رسمی استفاده می‌کنند که بنظر مقدار پایینی محسوب می‌شود. نسبت موجودی کالا و حساب‌های دریافتی با متوسط $0/47$ بیانگر ریسک قابل توجه در حسابداری می‌باشد. بطور متوسط $0/11$ سال-شرکت‌ها زیان‌ده بوده‌اند و میانگین سودآوری شرکت‌های نمونه مقدار پایین $0/11$ می‌باشد که نسبت به نرخ بهره بدون ریسک و حتی نرخ سود سپرده بانکی مقدار پایین‌تری است. همچنین نرخ تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز با مقدار $0/57$ بالا تلقی می‌شود.

جدول (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
اندازه موسسه حساسیتی	۰/۲۱	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۱
نسبت ارزش دفتری به بازار	۰/۶۰	۱/۱۱	۰/۰۷	۰/۲۷
نسبت دارایی جاری به کل دارایی	۰/۶۶	۰/۹۶	۰/۳۰	۰/۲۱
نسبت موجودی کالا و حساب‌های دریافتی	۰/۴۷	۰/۸۷	۰/۰۵	۰/۲۱
جریان نقدی	۰/۱۲	۰/۶۴	-۰/۳۴	۰/۱۳
نسبت دارایی جاری به بدهی جاری	۱/۴۰	۴/۰۵	۰/۲۰	۰/۶۱
نرخ رشد کارکنان	۰/۰۰۵	۲/۴۰	-۰/۹۲	۰/۲۱
اهرم مالی	۰/۶۴	۱/۷۳	۰/۱۱	۰/۲۲
زیان دهی	۰/۱۱	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۱
تنوع تجاری	۰/۳۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۵
اظهار نظر حساسیتی	۰/۳۹	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۸
تجدید ارائه صورت‌های مالی	۰/۵۷	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۹
بازده دارایی‌ها	۰/۱۱	۰/۵۶	-۰/۳۴	۰/۱۳
رشد فروش	۱/۲۱	۵/۴۸	-۰/۹۰	۰/۴۲
حسابرس نخستین	۰/۴۶	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۹

۱.۴. نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس و عدم خودهمبستگی

برای کشف واریانس ناهمسانی در پژوهش حاضر از آزمون بروس-پاگان استفاده شده است. در صورت وجود واریانس ناهمسانی بایستی از روش GLS برای تخمین مدل استفاده کرد. فرض کلاسیک دیگری که بررسی می‌شود فرض عدم خودهمبستگی است که در این پژوهش از آزمون ولدریج جهت بررسی خودهمبستگی سریالی استفاده شده است (جدول ۲).

جدول (۲): نتایج آزمون‌های ناهمسانی و خودهمبستگی

مدل	معناداری آزمون بروس-پاگان	نتیجه	معناداری آزمون ولدریج	نتیجه
(۱)	۰/۰۰	ناهمسانی واریانس	۰/۳۱	عدم وجود خودهمبستگی
(۲)	۰/۰۰	ناهمسانی واریانس	۰/۴۷	عدم وجود خودهمبستگی
(۳)	۰/۰۲	ناهمسانی واریانس	۰/۶۹	عدم وجود خودهمبستگی
(۴)	۰/۰۳	ناهمسانی واریانس	۰/۱۱	عدم وجود خودهمبستگی

نتایج ارائه شده بیانگر وجود واریانس ناهمسانی در همه مدل‌ها می‌باشد و جهت برآورد مدل‌ها

بایستی از روش GLS استفاده کرد. همچنین به دلیل عدم وجود خودهمبستگی، تغییری در مدل‌ها (افزودن وقفه) ایجاد نشده است. لازم به ذکر است آزمون عدم هم‌خطی VIF نیز برای متغیرهای توضیحی انجام شد که نتایج بیانگر عدم هم‌خطی بود.

۲.۴. نتایج آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن

آزمون لیمر جهت انتخاب از بین روش پانل و رگرسیون تلفیقی انجام می‌شود و در صورتی که نتیجه آزمون روش پانل باشد، آزمون هاسمن جهت انتخاب از بین روش‌های پانل اثرات ثابت و پانل اثرات تصادفی انجام می‌شود. در صورتی که نتیجه آزمون لیمر روش رگرسیون تلفیقی باشد بایستی آزمون LM لاگرانژ انجام شود تا از بین روش رگرسیون تلفیقی و روش اثرات تصادفی انتخاب صورت پذیرد.

جدول (۳): نتایج آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن

مدل	معناداری آزمون لیمر	نتیجه آزمون لیمر	معناداری آزمون LM	نتیجه آزمون LM
(۱)	۰/۶۶	رگرسیون تلفیقی	۰/۰۰	رگرسیون تلفیقی
(۲)	۰/۱۹	رگرسیون تلفیقی	۰/۰۰	رگرسیون تلفیقی
(۳)	۰/۴۲	رگرسیون تلفیقی	۰/۰۰	رگرسیون تلفیقی
(۴)	۰/۱۹	رگرسیون تلفیقی	۰/۰۰	رگرسیون تلفیقی

۳.۴. نتایج برآورد مدل (۱)

نتایج برآورد مدل (۱) پژوهش جهت آزمون فرضیه‌های اول و سوم در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج برآورد مدل (۱)

متغیر	نماد	ضریب	آماره T	معناداری
حق‌الزحمه عادی	NormalFees	۰/۰۱۴۵	۴/۰۱	۰/۰۰۰
حق‌الزحمه غیرعادی	AbnormalFees	۰/۰۰۰۳	۰/۱۹	۰/۸۴۵
تجدید ارائه صورت‌های مالی	Restate	-۰/۰۰۰۶	-۰/۴۳	۰/۶۶۶
اندازه موسسه حسابداری	Auditor	-۰/۰۰۴۹	-۲/۰۲	۰/۰۴۴
اظهاری نظر حسابرس	Opinion	-۰/۰۰۳۳	-۲/۱۶	۰/۰۳۲
نرخ رشد فروش	SGR	-۰/۰۶۳۷	-۱۲۹/۸۴	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۲۰۱	۲/۹۷	۰/۰۰۳
زیان‌دهی	Loss	۰/۰۰۷۸	۱/۹۷	۰/۰۵۰

متغیر	نماد	ضریب	آماره T	معناداری
تنوع تجاری	Merge	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱	۰/۹۹۸
اهرم مالی	Lev	۰/۰۲۳۱	۲/۹۱	۰/۰۰۴
نسبت ارزش دفتری به بازار	BTM	۰/۰۰۶۴	۵/۷۲	۰/۰۰۰
صدور بدهی بلندمدت	Issue	۰/۰۰۵۸	۳/۹۳	۰/۰۰۰
جریان نقدی	CF	۰/۰۱۶۳	۱/۸۴	۰/۰۶۶
جز ثابت		-۰/۱۳۳	-۴/۶۴	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۶	آماره F		۲۹/۰۲
آماره دوربین واتسون	۲/۱۶	معناداری آماره F		۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۴) معناداری آماره F مقدار ۰/۰۰۰ می‌باشد که بیانگر معناداری مدل رگرسیون می‌باشد. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون نیز در بازه قابل قبول برای پذیرش فرض عدم خودهمبستگی قرار دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز ۰/۷۶ است که مقدار قابل قبولی محسوب می‌شود. جهت آزمون فرضیه‌های اول و سوم از آزمون t برای ضریب رگرسیونی متغیر مستقل استفاده شده است.

متغیر مستقل فرضیه اول حق الزحمه عادی حساسیتی است؛ معناداری آماره t این متغیر ۰/۰۰۰ می‌باشد که موید پذیرش فرضیه اول در سطح خطای ۱٪ می‌باشد. ضریب رگرسیون مثبت نیز بیانگر وجود رابطه مستقیم بین حق الزحمه عادی حساسیتی و ارقام تعهدی خوب می‌باشد. با استدلالی مشابه برای فرضیه سوم و با انجام آزمون t در مورد این فرضیه قضاوت شده است. متغیر مستقل فرضیه سوم حق الزحمه غیرعادی حساسیتی می‌باشد که سطح معناداری آماره t متناظر با آن ۰/۸۴۵ می‌باشد که بیانگر پذیرش فرض صفر آزمون و به عبارتی بیانگر رد فرضیه سوم می‌باشد. یعنی رابطه مستقیم بین حق الزحمه غیرعادی حساسیتی و ارقام تعهدی خوب، معنادار نمی‌باشد.

در مجموع با توجه به نتایج آزمون t فرضیه اول تأیید و فرضیه سوم نیز رد می‌شوند. در مورد متغیرهای کنترلی نیز تاثیرگذاری متغیرهای نرخ رشد فروش (تأثیر معکوس)، بازده دارایی‌ها (تأثیر مستقیم)، زیان دهی (تأثیر مستقیم)، اهرم مالی (تأثیر مستقیم)، نسبت ارزش دفتری به بازار (تأثیر مستقیم) و صدور بدهی بلندمدت (تأثیر مستقیم) معنادار می‌باشد و سایر متغیرهای کنترلی تأثیر معناداری در مدل ندارند.

۴.۴. نتایج برآورد مدل (۲)

نتایج برآورد مدل (۲) پژوهش جهت آزمون فرضیه‌های دوم و چهارم در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج برآورد مدل (۲)

متغیر	نماد	ضریب	آماره T	معناداری
حق الزحمه عادی	NormalFees	۰/۰۰۱۷	۰/۰۸	۰/۹۳۹
حق الزحمه غیرعادی	AbnormalFees	-۰/۰۱۵۹	-۲/۳۴	۰/۰۱۹
تجدید ارائه صورتهای مالی	Restate	۰/۰۶۱۶	۶/۲۸	۰/۰۰۰
اندازه موسسه حسابداری	Auditor	۰/۰۰۸۴	۰/۵۲	۰/۶۰۲
اظهار نظر حسابر	Opinion	-۰/۰۰۳۳	-۳/۰۷	۰/۰۰۲
نرخ رشد فروش	SGR	۰/۰۳۴۷	۳/۵۶	۰/۰۰۰
بازده داراییها	ROA	-۰/۱۷۹۳	-۳/۰۱	۰/۰۰۳
زیان دهی	Loss	۰/۰۷۴۸	۴/۱۰	۰/۰۰۰
تنوع تجاری	Merge	-۰/۰۰۶۹	-۰/۳۶	۰/۷۲۱
اهرم مالی	Lev	-۰/۴۵۹۱	-۹/۹۰	۰/۰۰۰
نسبت ارزش دفتری به بازار	BTM	-۰/۰۰۰۸	-۰/۰۷	۰/۹۴۵
صدور بدهی بلندمدت	Issue	۰/۰۵۸۲	۴/۶۳	۰/۰۰۰
جریان نقدی	CF	۰/۰۲۴۹	۰/۶۲	۰/۵۳۵
جز ثابت		-۰/۱۳۳	۱/۴۳	۰/۱۵۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴	آماره F		۶/۰۶
آماره دوربین واتسون	۲/۴۷	معناداری آماره F		۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۵) معناداری آماره F مقدار ۰/۰۰۰ می باشد که بیانگر معناداری مدل رگرسیون می باشد. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون نیز در بازه قابل قبول برای پذیرش فرض عدم خودهمبستگی قرار دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز ۰/۵۴ است. جهت آزمون فرضیه های دوم و چهارم نیز آزمون t برای ضریب رگرسیونی متغیر مستقل انجام شده است. متغیر مستقل فرضیه دوم حق الزحمه عادی حسابداری است؛ معناداری آماره t این متغیر ۰/۹۳۹ می باشد که موید رد فرضیه اول می باشد. یعنی رابطه مستقیم بین حق الزحمه عادی حسابداری و خطای برآورد ارقام تعهدی معنادار نمی باشد. متغیر مستقل فرضیه چهارم حق الزحمه غیرعادی حسابر می باشد که سطح معناداری آماره t متناظر با آن ۰/۰۱۹ می باشد که بیانگر رد فرض صفر آزمون و به عبارتی بیانگر پذیرش فرضیه چهارم می باشد. یعنی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابداری و خطای برآورد ارقام تعهدی، منفی و معنادار می باشد. به عبارت دیگر با افزایش سطح حق الزحمه غیرعادی حسابداری، خطای برآورد ارقام تعهدی کاهش می یابد. نتیجه بدست آمده تلویحاً به معنای اثرگذاری حق الزحمه غیرعادی حسابداری بر کیفیت حسابداری می باشد.

در مجموع با توجه به نتایج آزمون t فرضیه دوم رد می‌شود ولی فرضیه چهارم تأیید می‌شود. در مورد متغیرهای کنترلی نیز تاثیرگذاری متغیرهای تجدید ارائه صورت‌های مالی (تأثیر مستقیم)، اظهارنظر حسابرسان (تأثیر معکوس)، نرخ رشد فروش (تأثیر مستقیم)، بازده دارایی‌ها (تأثیر معکوس)، زیان‌دهی (تأثیر مستقیم)، اهرم مالی (تأثیر معکوس)، و صدور بدهی بلندمدت (تأثیر مستقیم) معنادار می‌باشد و سایر متغیرهای کنترلی تأثیر معناداری در مدل ندارند.

۵. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر حق‌الزحمه عادی و غیرعادی حساسی بر بازگشت ارقام تعهدی به دو فرم ارقام تعهدی خوب و خطای برآورد ارقام تعهدی می‌باشد. بدین منظور چهار فرضیه طراحی و مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج آزمون‌های آماری موید این بود که حق‌الزحمه عادی حسابرسان تأثیر مستقیم و معناداری بر ارقام تعهدی خوب دارد در حالی که حق‌الزحمه عادی تأثیر معناداری بر خطای برآورد ارقام تعهدی ندارد. همچنین نتایج نشان داد که حق‌الزحمه غیرعادی حساسی تأثیر منفی و معناداری بر خطای برآورد ارقام تعهدی دارد اما بر ارقام تعهدی خوب تأثیر معناداری ندارد. در مجموع نتایج تلویحاً بیانگر تأثیر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان بر کیفیت حساسی می‌باشد؛ زیرا با افزایش حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان، خطای برآورد ارقام تعهدی به عنوان ناپایدارترین جزء سود، کاهش می‌یابد که نشان از افزایش کیفیت حساسی دارد. نتایج بدست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین مانند لین و همکاران (۲۰۱۸)، انکم‌جیکا و همکاران (۲۰۱۷)، فانگ و همکاران (۲۰۱۴) و واعظ و تیموری (۱۳۹۳) همسو بوده و با نتایج چوی و همکاران (۲۰۱۰)، سرخانی مقدم و پاکدل (۱۳۹۷) و کربلائی کریمی (۱۳۹۵) نیز در تضاد می‌باشد. حق‌الزحمه حسابرسان شامل ارزیابی وی از کیفیت حسابداری شرکت نیز می‌باشد (هریبار، کراوت و ویلسون، ۲۰۱۴). حق‌الزحمه حساسی به دو بخش قابل تقسیم است. بخش اول حق‌الزحمه عادی حساسی است که منعکس‌کننده هزینه عملیات حساسی شامل هزینه نیروی کار، زیان ناشی از دعاوی حقوقی مورد انتظار و سودآوری عادی حسابرسان است (سیمونیچ، ۱۹۸۰؛ چوی، کیم و زانگ، ۲۰۱۰؛ استانا و بون، ۲۰۱۲). بخش دوم حق‌الزحمه غیرعادی حساسی است که شامل سود غیرعادی است (استانا و بون، ۲۰۱۲) و بهتر می‌تواند وابستگی اقتصادی حسابرسان به صاحبکار را نشان دهد (چوی و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان می‌تواند نشانی از وابستگی به صاحبکار بوده و باعث کاهش استقلال حسابرسان شود و از این طریق باعث کاهش کیفیت حساسی و حسابداری شود. اما در صورتی که حق‌الزحمه غیرعادی منعکس‌کننده تلاش‌های مضاعف حسابرسان باشد، آنگاه باعث افزایش کیفیت حساسی می‌شود و نتایج بدست آمده در این پژوهش موید توضیح دوم درباره تأثیر حق‌الزحمه غیرعادی بر کیفیت حساسی می‌باشد.

۵.۱. پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتایجی که بدست آمده است به حساب‌رسان توصیه می‌کنیم که در هنگام عقد قرارداد حسابداری به تمام مسائل مرتبط و مؤثر بر حق‌الزحمه توجه کافی داشته باشند و حق‌الزحمه معقولی را طلب نمایند که باعث انجام باکیفیت حسابداری شود. همچنین به شرکت‌های بورسی پیشنهاد می‌کنیم در هنگام مذاکره برای عقد قرارداد و تعیین حق‌الزحمه تمامی عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه را در نظر گرفته و حق‌الزحمه‌ای را تعهد کنند که بدلیل پایین بودن یا بالا بودن بیش از مقدار عادی، باعث کاهش کیفیت حسابداری نشود.

۵.۲. محدودیت‌های پژوهش

انجام هر پژوهشی همواره با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد. محدودیت‌های پژوهش حاضر شامل محدودیت‌های عمومی سایر پژوهش‌ها (مانند محدودیت زمان و هزینه) و محدودیت‌های خاص انجام پژوهش هستند. با توجه به اینکه تعداد شرکت‌های افشا کننده حق‌الزحمه حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران قابل توجه نمی‌باشد، لذا نمونه پژوهش حاضر نیز با کاهش روبرو بوده است. محدودیت دیگر پژوهش نیز شرایط مقرر شده برای انتخاب نمونه می‌باشد که تعمیم نتایج به کلیه شرکت‌ها را نیز با محدودیت مواجه می‌کند.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

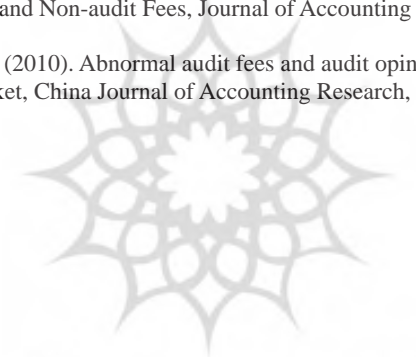
۱. تجویدی، الناز و حسین عامری، (۱۳۹۶)، بررسی اثر بازگشت مدیریت سود واقعی با توجه به محدودیت اقلام تعهدی بر عملکرد عملیاتی بلندمدت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری، (۲)۴، ۱۹-۳۴.
۲. سرخانی مقدم، داریوش و عبدالله پاکدل، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری و تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابداری، ۳۷، ۱۴۶-۱۳۳.
۳. کربلایی کریمی، علیرضا، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین همایش ملی حسابداری و نظارت مالی ایران، دانشگاه فردوسی، مشهد.
۴. منصوری سرنجیانه، میکائیل و محسن تنانی، (۱۳۹۲)، بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری، پژوهش‌های حسابداری مالی، (۴)۵، ۱۰۵-۱۲۰.
۵. واعظ، سید علی و مرتضی تیموری، (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابداری و خطای برآورد اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، بررسی‌های حسابداری، (۳)۱، ۱۱۱-۹۵.

ب- منابع انگلیسی:

1. Allen, E. J., Larson, C. R. & Sloan, R. G. (2013). Accrual Reversals, Earnings and Stock Returns, *Journal of Accounting and Economics*, 56 (1), 113-129.
2. Ashbaugh, H., LaFond, R. & Mayhew, B. W. (2003). Do Non-audit Services Compromise

- Auditor Independence? Further Evidence, *The Accounting Review*, 78 (3), 611–639.
3. Asthana, S. C. & Boone, J. P. (2012). Abnormal Audit Fee and Audit Quality, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(3), 1–22.
 4. Blankley, A. I., Hurr, D. N. & MacGregor, J. E. (2012). Abnormal Audit Fees and Restatements, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(1), 79–96.
 5. Choi, J., Kim, J. & Zang, Y. (2010). Do Abnormally High Audit Fees Impair Audit Quality?, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(2), 115–140.
 6. Craswell, A. T., Francis, J. R. & Taylor, S. L. (1995). Auditor Brand Name Reputations and Industry Specializations, *Journal of Accounting and Economics*, 20(3), 297–322.
 7. DeAngelo, L. E. (1981). Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 183–199.
 8. Dechow, P. M. & Dichev, I. D. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors, *The Accounting Review*, 77(1), 35–59.
 9. DeFond, M. L., Raghunandan, K. & Subramanyam, K. R. (2002). Do Non-audit Service Fees Impair Auditor Independence? Evidence from Going Concern Audit Opinions, *Journal of Accounting Research*, 40(4), 1247–1274.
 10. Dechow, P. M., Hutton, A. P., Kim, J. H. & Sloan, R. G. (2012). Detecting Earnings Management: A New Approach, *Journal of Accounting Research*, 50(2), 275–334.
 11. DeFond, M. L., & Park, C. W. (2001). The Reversal of Abnormal Accruals and the Market Valuation of Earnings Surprises, *The Accounting Review*, 76(3), 375–404.
 12. Eshleman, J. D. & Guo, P. (2014). Do Big 4 Auditors Provide Higher Audit Quality after Controlling for the Endogenous Choice of Auditor?, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(4), 197–219.
 13. Frankel, R. M., Johnson, M. F. & Nelson, K. K. (2002). The Relation between Auditors' Fees for Non-audit Services and Earnings Management, *The Accounting Review*, 77(1), 71–105.
 14. Hackenbrack, K. E., Jenkins, N. T. & Pevzner, M. (2014). Relevant but Delayed Information in Negotiated Audit Fees, *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 33(4), 95–117.
 15. Hay, D. C., Knechel, W. R. & Wong, N. (2006). Audit Fees: A Meta-analysis of the Effect of Supply and Demand Attributes, *Contemporary Accounting Research*, 23(1), 141–191.
 16. Hollingsworth, C. & Li, C. (2012). Investors' Perceptions of Auditors' Economic Dependence on the Client: Post-SOX Evidence, *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 27(1), 100–122.
 17. Hribar, P., Kravet, T. & Wilson, R. (2014). A New Measure of Accounting Quality, *Review of Accounting Studies*, 19(1), 506–538.
 18. Jung, S., Kim, B. & Chung, J. (2016). The association between abnormal audit fees and audit quality after IFRS adoption: evidence from Korea, *International Journal of Accounting & Information Management*, 24(3), 252–271.
 19. Kinney, W. R. & Libby, R. (2002). Discussion of the Relation between Auditors' Fees for Non-audit Services and Earnings Management, *The Accounting Review*, 77(1), 107–114.
 20. Krishnamurthy, S., Zhou, J. & Zhou, N. (2006). Auditor Reputation, Auditor Independence, and the Stock Market Impact of Andersen's Indictment on Its Client Firms, *Contemporary Accounting Research*, 23(2), 465–490.
 21. Krishnan, J., Sami, H. & Zhang, Y. (2005). Does the Provision of Non-audit Services Affect Investor Perceptions of Auditor Independence?, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24(2), 111–135.
 22. Lin, F. Lin, Y. & Chen, C. (2014). Accrual Quality and Audit Fees: The Role of Abnormal Audit Fees, Working Paper.
 23. Lin, F., Lin, Y. & Chen, C. (2018). Accrual reversals and audit fees: the role of abnormal audit fees, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 25(1-2), 276–294.
 24. Louis, H. & Robinson, D. (2005). Do Managers Credibly Use Accruals to Signal Private

- Information? Evidence from the Pricing of Discretionary Accruals around Stock Splits, *Journal of Accounting and Economics*, 39(2), 361–380.
25. Moehrl, S. R. (2002). Do Firms Use Restructuring Charge Reversals to Meet Earnings Targets?, *The Accounting Review*, 77(2), 397–413.
 26. Nkemjika, O. M., Sunday, A. A. & Nwamaka, O. C. (2017). Audit quality, abnormal audit fee and auditor attributes, *International Journal of Management Excellence*, 8(3), 973-984.
 27. Schelleman, C., & Knechel, W. R. (2010). Short-term Accruals and the Pricing and Production of Audit Services, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(1), 221–250.
 28. Simunic, D. A. (1980). The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence, *Journal of Accounting Research*, 18(1), 161-190.
 29. Srinidhi, B. N. & Gul, F. A. (2007). The Differential Effects of Auditors' Non-audit and Audit Fees on Accrual Quality, *Contemporary Accounting Research*, 24(2), 595–629.
 30. Stanley, J. D. & DeZoort, F. T. (2007). Audit Firm Tenure and Financial Restatements: An Analysis of Industry Specialization and Fee Effects, *Journal of Accounting and Public Policy*, 26(2), 131–159.
 31. Tepalagul, N. & Lin, L. (2015). Auditor Independence and Audit Quality: A Literature Review, *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 30(1), 101–121.
 32. Whisenant, S., Sankaraguruswamy, S. & Raghunandan, K. (2003). Evidence on the Joint Determination of Audit and Non-audit Fees, *Journal of Accounting Research*, 41(4), 721–744.
 33. Xie, Z., Cai, C. & Ye, J. (2010). Abnormal audit fees and audit opinion – further evidence from China capital market, *China Journal of Accounting Research*, 3(1), 51-70.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی